

بسم الله الرحمن الرحیم

هنر معلمی

نویسنده:

رضا فرهادیان

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

هنر معلّمی

مشخصات کتاب

سرشناسه : فرهادیان رضا، ۱۳۲۷-

عنوان و نام پدیدآور : هنر معلمی/ مولف رضا فرهادیان.

مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۲۷ ص.

شابک : ۲۵۰۰ ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۲۴۱-۱

وضعیت فهرست نویسی : فاپا (برون سپاری)

یادداشت : کتابنامه: ص. ۲۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : معلمان -- روابط با شاگردان

موضوع : معلمان -- اخلاق حرفه ای

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره : LB۱۰۳۳/ف۴□۸۷ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی : ۳۷۱/۱۰۲۳

شماره کتابشناسی ملی : ۱۸۶۱۹۱۷

ص:۱

اشاره

هنر معلّمی

خداوند، به انسان آنچه را که نمی دانست آموخت.(۱)

سلام و درود بی پایان ما نثار شمع فروزان راه بشریت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله باد؛ معلمی(۲) که هر پیامش نسیم حیات بخشی را در دل ها می دمد و قابلیت هایی را شکوفا می سازد، و شنیدن هر کلامش، کالبد بی جانی را جان می بخشد، به حرکت در می آورد، قدرت پرواز می دهد و به بلندای اندیشه های متعالی و کمال معرفت الهی رهنمون می سازد. این معلّم، نادره گیتی است که انسان ها را به سرچشمه زلال حکمت و هدایت می کشاند؛ بصیرت شان را می گشاید و فطرتشان را شکوفا می سازد و ارزش های نهفته در عالم برون و درون را فرا راهِ دید و نگرش دل های شیفته خود قرار می دهد.

ص:۵

---

۱ - ۱. عَلَّمَ الْإِنسانَ ما لَمْ يَعْلَمْ»؛ علق {۶۹} آیه ۵. یعنی پروردگار به نوع انسان چیزهایی را که نمی دانست، تعلیم داده و آموخته است، این نوع تعلیم یک نوع تعلیم تکوینی است که غیر انسان از آن محروم است. بدیهیات اولیه را خداوند با قدرت لوح و قلم به انسان آموخت و این خود پایه و مایه اولیه فراگیری تمام علوم در انسان می باشد.

۲- ۲. قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله: «إِنّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّماً»؛ همانا، معلّم برانگیخته شدم.

ای معلّم! دل های ما مشتاق کلام توست و دیدگان ما چشم به راه رفتار بزرگوارانه و کریمانه توست، که انسان را متواضع و دل ها را خاشع و عقل ها را به تعظیم در برابر عظمت و جلال تو وا می دارد و در برابر چهره پرفروغ تو جان به شوق و تکاپو می افتد و در پرتو محبت تو روح و روان به حقیقت و عرفان می رسد؛ تا جایی که آن یگانه قطب ولایت، به شاگردی تو افتخار می کند و می فرماید: «أنا عبد من عبید محمّدصلی الله علیه وآله» (۱) و نیز در تجلیل از معلّم می فرماید: «من علّمنی حرفاً فقد صیّرنی عبداً».(۲)

نقش معلّم به قدری والا و گرانقدر است که پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه وآله می فرماید: «بالتّعلیم اُرسلت» (۳) من برای تعلیم فرستاده شدم، و به قدری حساس و بااهمیت است که امام علی علیه السلام فرمود: کسی که خود را در مقام هدایت و تعلیم مردم قرار می دهد، باید پیش از آنکه به تعلیم دیگری همّت گمارد، به تهذیب خویش اقدام نماید و تأدیب عملی اش بیش از تأدیب زبانی اش باشد؛ زیرا کسی که ادب آموز و معلّم خویشتن است، به احترام سزاوارتر و برتر از کسی است که [تنها] معلّم و مربی دیگران است.(۴)

۱- ۳. امام علی علیه السلام، بحار، ج ۳، ص ۲۸۳، ش ۱ و کافی، ج ۱، ص ۹۰.

۲- ۴. منسوب به امام علی علیه السلام.

۳- ۵. بحار، ج ۱، ص ۲۳۶، ش ۳۵.

۴- ۶. من نصب نفسه للناس اماماً فلیبدأ بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره ولیکن تأدیبه بسیرته قبل تأدیبه بلسانه، و معلّم نفسه و مؤدبها احق بالاجلال من معلّم الناس و مؤدبهم»؛ نهج البلاغه، کلمات قصار، ۷۳. بحث از روابط انسانی موجود در کلاس و چگونگی آن ممکن است به ناخشنودی، دلسردی و ناامیدی معلّم بینجامد، ولی معلّمی که با عشق و علاقه با نیّت و فکر سالم و با روش صحیح، کار معلمی را آغاز می کند، خیلی زود درمی یابد که بازتاب رفتار و عمل قوی تر از بیان و اعتقاد و سخن است و این رفتار و عملِ معلّم است که سرنوشت آینده دانش آموز را رقم می زند. کسانی که با خود صادق باشند با پیگیری و تلاش مستمر عدم موفقیّت ها و اشتباهات خود را جبران می کنند، در غیر این صورت سبب ایجاد یأس و دلسردی آنان می شود، به طوری که حتی بعضی به فکر کناره گیری از کار معلمی می افتند.

معلمی هنری است دل انگیز و رفتاری است، شگفت انگیز(۱) و دشوار،(۲) و رسالتی است بس بزرگ، که هر کسی را تاب و توان پذیرش چنین مسؤولیت خطیری نیست؛(۳) معلمی سوز و درد می خواهد و عشق

۱- ۷. معلّمی کاری شگفت انگیز و معلّم، دارای قدرتی شگرف است؛ زیرا که می تواند زندگی انسانی را تیره و تار یا شاد و پر نشاط نماید. ایجاد فضای عاطفی برای یادگیری بر عهده معلّم است و تنها این کار، از او ساخته است. با علم و حلم و مهارت و تجربه و عشق و علاقه، می تواند نظریات کلّی را به رفتار ویژه تربیتی کاربردی تبدیل کرد.

۲- ۸. وقتی مشکلات دانش آموزی و مسائل حساس و مهم پیش می آید، فلسفه بافی به درد نمی خورد، آنچه که در بحبوحه شلوغی کلاس و بروز مشکلات رفتاری شاگردان کارساز است، فقط مهارت و کاردانی معلّم در نحوه برخورد با دانش آموز و اداره کلاس است.

۳- ۹. در نظریات تعلیم و تربیت گرچه مفاهیم و مباحث کلی و خوبی وجود دارد، امّا هنگامی که واقعیت مطرح است این مفاهیم متعالی بدون کاردانی و مهارت در رفتار، نمی تواند مفید و مؤثر واقع شود. مثلاً احترام به شخصیت و کرامت نفس مطلب مهم و قابل توجهی است؛ ولی معلّم نیز در برخورد با تعارضات روزمره در کلاس و مواجهه با اختلالات رفتاری دانش آموزان به مهارت و کاردانی کاربردی در برخورد [با استفاده از آن اصول کلی] و ابتکار در عمل نیاز دارد. او باید همواره نیازها و احساسات دانش آموزان را مد نظر داشته باشد.

و احساس می طلبـد، صبر و تحمّل می بایـد؛ زیرا که هر کاری که قدر و منزلتش بالاتر است، مسؤولیتش هم سـنگین تر و مهم تر است.(۱)

معلّم واقعی کسی است که با نگاه، حرکات و برخورد خود،(۲) به نو آموزانش شخصیت دهد و با رفتاری کریمانه آنان را از عادت ها و کردارهای ناصحیح باز دارد،(۳) از سعه صدر، وسعت دید و ظرفیت عاطفی

۱- ۱۰. ویژگی هـای مشـترک بهـترین معلّم هـا از این قرار است که: ۱. خیلی پنـد و انـدرز نمی دهند. ۲. تنبیه نمی کننـد. ۳. احساس گناه و شـرمندگی به وجود نمی آورند. ۴. به اتفاقاتی که در کلاس رخ می دهـد، دامن نمی زننـد و آن را کش نمی دهند. ۵. سـرزنش و انتقاد نمی کننـد؛ بلکه با دانش آموز احساس همـدردی و همدلی می کنند. ۶. با پدر و مادر و گذشـته و آینده او کاری ندارند، آنچه که برای آنان مهم است، «وضع حاضـر و حال فعلی دانش آموز است که در بحران و فشار روحی قرار گرفته است»، آنـان احساسـات و نیازهـای روحی دانش آمـوز را از مقررات خشـک و دست و پـا گیر مـدرسه مهم تر می دانند.

۲- ۱۱. یک معلّم خوب، با اینکه کار معلمی برایش یک وظیفه است؛ امّا مهم تر از هر چیز، همواره انسان حساسی است که به حال یک یک دانش آموزان سخت توجّه دارد و در هر موقعیت می کوشد تا رفتار مناسبی از خود نشان دهد؛ چرا که می داند خیلی از مسائل تعلیم و تربیت؛ ریشه در روابط، طرز نگاه و برخورد معلّم با دانش آموز دارد.

۳- ۱۲. تجربه نشـان داده است که وقتی دانش آموزی، در درس ضـعیف بوده و در انجام تکالیف مشـکلی دارد، بـدرفتاری و ناسازگاری را ترجیح می دهد؛ زیرا او تجربه کرده است که تقاضای کمک از معلّم و یا دیگران به خاطر ندانستن درس ممکن است، باعث سرزنش، توبیخ و تنبیه و یا تمسخر و استهزاء گردد. تنبیه های لفظی، پیشرفتی ایجاد نمی کند؛ بلکه برعکس سبب دلسـردی و تخریب قوه ابتکـار و از بین رفتن اعتمـاد به نفسِ دانش آموز می شود و از طرفی عامل مهم ایجاد تنفّر و انزجار نیز می باشد.

بالایی برخوردار باشد و همیشه این آمادگی را داشته باشد که پای سخن هر دانش آموزی بنشیند و در مقابل هر سؤال نوآموزی با چهره ای باز و رویی گشاده از او استقبال کند و در برابر هر خواسته منطقی،(۱) بال و پرِ تواضع و فروتنی بگشاید و با همدلی و همدردی،(۲) دیگران را راهنمایی بنماید. با سکوت(۳) خود، آنان را به تفکّر وا دارد و با بردباریش، به آنان رشد دهد(۴) و با کلامش روحیه آزاد منشی و آزادگی را در آنان زنده نماید.

او باید بتواند به راحتی با شاگردانش تفاهم و ارتباط برقرار نماید(۵)

۱- ۱۳. بعضی از معلّم ها وقت و انرژی شان را در بحث و جدل های فراوان در سر کلاس هدر می دهند که می شود از آنها پرهیز کرد؛ زیرا در این تعارضات بگو مگوهای غیرضروری، هم وقت و انرژی معلّم هدر می رود و هم روی دانش آموز باز می شود و از طرف دیگر جسارتش بیشتر شده و استعداد و وقت دانش آموز در مسیری خطا بکار می رود.
۲- ۱۴. آنچه که کودکان و بزرگسالان را از هم جدا می کند، تفاوت فاصله زمانی و فاصله ذهنی است و برای از بین بردن این فاصله، تنها باید از روش همدلی و همدردی استفاده کرد.
۳- ۱۵. در تعلیم و تربیت، گاه «روش خاموشی و سکوت» رساتر از سخن گفتن و روش کلامی است! «رُبَّ سُکوتٍ اَبْلَغُ مِنْ کَلام». {غررالحکم}
۴- ۱۶. گاهی نحوه نگاه، آثار چشمگیر تری از سخن گفتن و عمل کردن دارد.
۵- ۱۷. برای تغییر در رفتار دانش آموز و آموزش او در کلاس، چگونگی ارتباط معلم با وی اهمیّتی حیاتی دارد. معلّم و مربی معمولاً ـ به گفتار و گفتگوهای خود بر کلاس که موجب جذب یا دفع دانش آموز است توجهی نمی کند؛ درحالی که این موضوع برای دانش آموز خیلی اهمیت دارد. معلّم قبل از اینکه به فضای ذهنی دانش آموز راه یابد، باید به قلب او راه پیدا کند و آن هم وقتی امکان پذیر است که در برخورد با دانش آموز گفتارش، حاوی پذیرش و جذب باشد و از گفته ها و نظریات طرد آمیز که ممکن است خشم و کینه و انزجار و تنفّر پدید آورد، اجتناب کند. تعادل روانی دانش آموز بستگی به این دارد که او به واقعیت های درون خویش اعتماد کند و احساس ارزشمندی بنماید. اظهار نظرها و گفته های معلّم بر عزّت نفس و کرامت نفس دانش آموز تأثیر می گذارد، بنابراین معلّم باید شیوه ها و روش های گوناگون ارتباط سازنده را فراگیرد. اصل اساسی ارتباط این است که «درباره شرایط و موقعیّت ها صحبت شود نه درباره شخصیت و منش فرد». این اصل در تمام برخوردهای بین معلم و دانش آموز در رابطه با آموزش و در خصوص تکلیف و انتظارات او در کلاس و مدرسه باید رعایت شود و اگر معلم طریقه استفاده از این اصل را در شرایط و موقعیت های مختلف بداند و به کار بندد، ارتباط سازنده با دانش آموزان تحقق خواهد یافت، در غیر این صورت ارتباط نا مؤثر و یا مخرّب خواهد بود. ویژگی ارتباط سالم معلم با دانش آموز به قرار زیر است: ۱. دقیقاً اظهار نظر دانش آموز یا حالت روحی او را باز می شناسد. ۲. برداشت ذهنی دانش آموز را انکار نمی کند. ۳. احساسات دانش آموز را موضوع بحث و جدل قرار نمی دهد. ۴. منکر خواسته ها و نیازهای روحی دانش آموز نمی شود. ۵. ذوق و سلیقه دانش آموز را مورد تمسخر قرار نمی دهد. ۶. نظریات دانش آموز را بی ارزش جلوه نمی دهد. ۷. منش و شخصیت دانش آموز را کوچک نمی شمرد. ۸. او را از مقام و منزلتی که دارد پایین نمی آورد. ۹. تجربه دانش آموز

را موضوع بحث و انکار قرار نمی دهد.

و احساسات(۱) و عواطف آنان را درک کند و در عین داشتن صداقت

ص:۱۰

۱- ۱۸. معلّم بایـد احساسات دانش آموز را درک و آن را بازگو کند و با وی همدلی و همدردی نماید. اگر احساسات دانش آموز را که از طرف خودش بـازگو می شود، منکر شویم، ارتبـاط مـا با وی قطع خواهـد شـد؛ زیرا در موقعی که بایـد صـحت تجربه دانش آموز را تصـدیق کنیم، واقعیت های احساسـی او را انکار کردیم و زمانی که باید گوش فرا دهیم، حرف می زنیم و آنجـا که بایـد احسـاس همـدردی کنیم، پشت سـرهم سؤال می کنیم، در چنین موقعیتی مـا بجای کاهش فشار روحی دانش آموز، آن را افزایش می دهیم.

و صمیمیتی سرشار از شادی و امید، انضباط(۱) و قاطعیتی صریح داشته

ص:۱۱

---

۱ – ۱۹. انضباط تنبیه نیست. معلّم و مربی زمانی که با مسائل انضباطی سر و کار دارد می تواند سازنده ترین فرد و یا مخرب ترین فرد باشد. در انضباط هر آنچه که نفرت زا است بایستی کنار گذاشته شود تا دانش آموز امنیت خاطر پیدا کند و فرصت و تمرکز ذهنی برای درس خواندن وی فراهم آید. انضباط را با تنبیه کردن دانش آموز نمی توان به وی یاد داد؛ زیرا تنبیه مانع بدرفتاری فرد نمی شود؛ بلکه باعث می گردد، دانش آموز متخلّف در ارتکاب تخلّفش دقیق تر و محتاط تر عمل کند و در مخفی نگه داشتن نشانه های تخلّفش مهارت و زیرکی بیشتری به خرج دهد. در واقع دانش آموزی که بلافاصله تنبیه می شود، تصمیم می گیرد، دقت و احتیاط بیشتری در انجام عمل خلاف داشته باشد؛ نه اینکه صادق تر و یا مسؤول تر شود. تنبیه در مواردی است که قوانین و مقررات با بیانی صاف و روشن گفته شده باشد و دانش آموز آگاهانه بدون داشتن مشکلی سرپیچی کرده باشد. آن هم مراتب دارد تا جایی که می شود باید علّت یابی کرد و در موارد لزوم به عنوان تنبیه، می توان دانش آموز را از خواسته اش محروم و یا برای انجام تکلیف، او را در مدرسه نگه داشت. باید برخورد قاطع و مؤدّبانه باشد و دانش آموزان، آن را به عنوان یک قانون اجرا کنند. حتی المقدور معلّم برای برقراری انضباط باید از جانشین های مؤثرتری برای تنبیه استفاده کند؛ زیرا تنبیه پدید آورنده کینه و نفرت است و شرایط عاطفی و احساسی دانش آموز را مختل می سازد. انضباط با دیکتاتوری معلّم برقرار نمی شود؛ آنچه بیشتر کارساز است این است که معلّم، بجای تهدید و تنبیه از قانون همدردی و همدلی استفاده نماید. تنبیه و تهدید و سرزنش حرمت نفس دانش آموز را جریحه دار کرده و وی را به عکس العمل متقابل و سوء رفتار وا می دارد.

باشد.(۱) او می داند که برای نفوذ در شخصیت دانش آموز و برای تغییر رفتار

ص:۱۲

---

۱ – ۲۰. قـاطعیت؛ یعنی پی گیری در کـار، کـه بـا روش هـای زیر مـوجب تثبیت انضـباط می شـود: ۱. همـواره و در همـه جا پیشـگیری مهم تر از درمان است، معلمی که خود انضـباط شخصـی داشته باشد و رفتار و برخورد خوب از خود نشان دهد و از سرزنش و گفتار کنایه آمیز و بی ادبانه اجتناب ورزد، خود یک الگوی عملی برای آموزش انضـباط است. ۲. اصل مهم، حفظ کرامت نفس دانش آمـوز است تـا سـبب شود ارتبـاط معلّم بـا دانش آموز ضـعیف نشود؛ یعنی در موارد پدیـد آمـدن مشـکل اخلاقی، با مشـکل برخورد شود، نه با شخصیت دانش آموز؛ یعنی به موقعیت توجّه شود نه اینکه شخصیت فرد مورد ارزیابی و قضاوت قرار گیرد و یا زیر سؤال رود. ۳. معلّم آگاه، درگیر بحث و جـدال نمی شود و با اقتدار و مهارت از بحث های پیش پا افتـاده که بـاعث اتلاف وقت می شود، پرهیز می کنـد. ۴. تغافـل از تخلف هـای جزئی و فـاش نکردن آن. به علت مشـکلات روحی خانوادگی که بر کادر اداری و یا حتی معلّم مدرسه پوشـیده است، بعضـی از دانش آموزان ممکن است از تصاویر و یا نوشـته هایی برای دست انداختن و یا تحقیر مربیان یا معلّمان استفاده کنند، معلّم می تواند این نوشته ها را بدون اینکه بخواند و یـا فاش کنـد، از بین ببرد؛ زیرا یک عمل جاهلانه خصوصـی نبایـد باعث آبروریزی در حضور همگان گردد؛ زیرا فاش کردن آن، موجب جسارت بقیه دانش آموزان خواهـد شـد. بعضـی اوقات نیز ممکن است حرف زشتی از دانش آموزی شـنیده شود، در اینجا فقط نگاهی سـخت و قاطع کافی است تا معلّم عـدم رضایت خود را نشان دهـد، بدون اینکه حرفی بزند و مطلب را به جمع بکشاند و سبب وخیم تر شدن اوضاع کلاس و مدرسه شود؛ زیرا تنبیه دسته جمعی، انضباط شخصی را تقویت نمی کند. گـاهی بـا مزاح می توان رفتـاری قـاطع و مؤثر داشت. ۵. کم گویی و گزیـده گویی و گـاهی هم سـکوت لازمه انضـباط مؤثر است. معلّم در مواقع بحران باید کم حرف بزند و مختصـر گو باشد. اقتدار و توانایی را نمی توان با شـرح و بحث های طولانی به دیگری فهماند. تذکرات و سخنرانی های طولانی موجب عدم تفکّر دانش آموز می شود، برای جلوگیری از دعوا و برقراری انضباط یک فرمان کوتاه و مفید با لحنی قاطع و بلند بسیار مؤثر است.

و کردار وی باید در دل او جای داشته باشد و تنها با ایجاد انگیزه می تواند رغبت به تحصیل را در او افزایش دهد. در طول تاریخ، انسان های بزرگ، بخش اعظم موفقیت شان را در زندگی، مرهون بهره گیری از اساتید و معلمان آگاه و دلسوز و با ایمان و بزرگوار خویش بوده اند.(۱)

معلمی شغل و حرفه نیست، ذوق و هنر است، مسؤولیتی است که ریشه در اعماق وجود انسان های فرهیخته و دلسوخته دارد؛ آری، معلمی رسالتی است پیامبر گونه. معلّم، با سرمایه بزرگِ علمِ توأم با حلم و تهذیب نفس، همچون پدری مهربان پا به پای شاگردانش در هر بحث و گفتگوی علمی و تربیتی شرکت می کند و در فضای مدرسه زمینه طرح پرسش ها را در ذهن دانش آموزان فراهم می سازد و آنان را به جستجوی افق های وسیع تر و فهم و درک علمیِ فراتر وا می دارد. روان با نشاط و پرفروغش

ص:۱۳

---

۱ – ۲۱. معلمین موفّق، کسانی بوده اند که توانسته اند ارتباطی قوی با دانش آموزان خود برقرار نمایند؛ زیرا تعلیم و تربیت بستگی به کیفیت ارتباط دارد. معلّم می تواند عامل تقویت و یا تضعیف ارتباط باشد. او برای تعلیم و تربیت صحیح باید دارای مهارت های ویژه ای در برقراری ارتباط سازنده باشد، چنین معلّم کارآمد و با لیاقتی می تواند: ۱. با به وجود آوردن احساس ارزشمندی در دانش آموز، انگیزه یادگیری ایجاد کند. ۲. با اهمیت دادن به دانش آموز، اعتماد به نفس پدید آورد. ۳. با فراهم کردن امنیت خاطر، از شدت اضطراب بکاهد. ۴. با القاء نشاط و روحیه ای گرم، ترس و یأس را از بین ببرد. ۵. با بردباری و تدبیر از تعارض ها و کشمکش ها در کلاس بکاهد.

همچون نسیمی روحبخش که به گل های بهاری می وزد، استعدادهای نهفته ذهن ها را بارور می سازد و در پرتو تعامل علمیِ دانش آموزان با یکدیگر در گروه های آموزشی،(۱) سطح فکر آنان را ارتقا می بخشد.

معلّم خوب، کسی است که علاوه بر تسلط کامل به موضوع درسی، با اصول تعلیم و تربیت آشنایی دارد و همواره خود را از مطالعه و تکرار مستمر و فراگیری تازه های علمی بی نیاز نمی بیند و در کلاس سعی دارد تا آموخته های فراگیران را با واقعیت های خارج از مدرسه ارتباط دهد و در عمل به آنان می آموزد که مطالب فرا گرفته شده را چگونه باید در زندگی به کار گرفت. نقش وی در بالا ـ بردن قدرت تفکّر و خلّاقیت دانش آموزان اهمیت فراوان دارد. معلمی که از روحیه ای خلّاق برخوردار است، خود الگوی بارزی برای خلّاق بودن است. چنین معلمی آموزش را تحمیل

---

۱ - ۲۲. تشکیل گروه های آموزشی و شرکت دادن کل دانش آموزان کلاس در یک فعالیت درسی {برای آموزش، یا حل تمرین} حکایت از موفقیت کار معلّم می کند. معلّم کارآمد با شرکت دادن تمام دانش آموزان در کار گروهی و گروه های آموزشی، تمرکز آنان را حفظ می کند و با این کار انحراف از موضوع و حواس پرتی برخی از دانش آموزان را کاهش می دهد. مثلاً برای پرسیدن درس و طرح سؤال، کل دانش آموزان کلاس را گوش به زنگ و در حالت انتظار نگه می دارد و می گوید: «چه کسی می تواند خوب جواب دهد؟» و خود با تأمل به دور و بر، نگاه می کند تا یک نفر را انتخاب کند. ولی معلّم ناآگاه فوراً روی یک دانش آموز تکیه می کند و دیگر نمی تواند تمرکز حواس بقیه افراد را حفظ کند. با این وضعیت، امکان انحراف از موضوع درسی و بی انضباطی و شلوغی در کلاس افزایش می یابد.

دانسته ها نمی داند؛(۱) بلکه آن را فرایندی فعال می بیند که در یک تعامل دو جانبه، زمینه خلاقیت دانش آموز را فراهم می سازد و با بینش و روحیه آزاد منشی که دارد، خواهان اطاعت کورکورانه و پیروی محض دانش آموزان نیست؛ بلکه به آنان آزادی و اختیار می دهد و با روح بلند خویش، آنان را به سوی احساس مسؤولیت و استقلال شخصیت سوق می دهد و زمینه هرگونه رشد فکری و ابتکار فردی را برایشان مهیا می کند. او در برابر بروز مشکلات رفتاری(۲) دانش آموزان، زود قضاوت نمی کند؛ بلکه قبل از هرگونه تصمیمی در این باره، موشکافانه به علت یابی می پردازد و در ارزیابی های خود، همه عوامل مؤثر و حوادث پیشین زندگی دانش آموز را از نظر دور نمی دارد.

معلّم محرم اسرار شاگردان و حافظ مصالح آنان است. او کسی است که سرتاسر اوقات زندگی اش وقفِ رشدِ بینش، پرورش و ابتکار نوباوگان جامعه می شود و همواره خود را در غم و شادی و گرفتاری و شادمانی شاگردانش شریک می داند؛(۳) معلمی که مدرسه را معبدی مقدس برای

---

۱ – ۲۳. اکراه و اجبار، تحمیل و تنبیه، مانع تمایل درونی برای فراگیری دانش می شود. قال علی علیه السلام: «فإن القلب اذا اُکره عَمِیَ»؛ به راستی که دل اگر به کاری مجبور شود، کور می شود. نهج البلاغه، کلمات قصار، ۱۹۳.

۲ – ۲۴. تجربه نشان داده است که برای حل مشکلات رفتاری دانش آموزان، مهم ترین اصلی که در شیوه های ارتباط بکار می رود، همان اصل پذیرش احساسات دانش آموز است. [شناخت و درک وضع فعلی او] درک احساس او و حمایت های عاطفی از وی، موجب حل مشکل، آرامش خاطر و تحکیم عزّت نفس او خواهد شد.

۳– ۲۵. اصل همدردی و حمایت عاطفی در حل همه مشکلات تربیتی، مفید است. توسل به غرور دانش آموز نیز حلّال برخی از مشکلات مربوط به انجام امور درسی و تکالیف است. اهمیت دادن به دانش آموز و اظهار انتظار بالاـ با ایجاد حس ارزشمندی در او، موجب تغییر و بازیابی نقش اصلی وی می شود. «تو می توانی این کار را انجام دهی، تو از عهده این کار بر می آیی». هنگامی که دانش آموز تکلیف خود را انجام نمی دهد، چگونه می توان مشکل را حل کرد؟ برای حل این مشکل، باید بجای تنبیه بی ثمر، به ارتباط مؤثر روی آورد. بنابراین قضاوت های معلّم و اظهار نظرهای انتقادی وی، مزاحم فعالیت ذهنی دانش آموز می شود. حمایت های عاطفی و همدلی با آنان در انجام تکلیف، راحتی و امنیت خاطر وی را فراهم می کند. تشخیص نیازها و تقویت صفات پسندیده؛ مانند جوانمردی، صداقت و پاکی نیز در این مورد مفید و مؤثر است. «لا یُؤْمِنُ اَحَدُکُمْ حَتّی یُحِبَّ لِاَخِیهِ ما یُحِبُّ لِنَفْسِهِ»؛ کسی از شما ایمان نمی آورد، مگر این که آنچه برای خود دوست دارد، برای برادر ایمانی خود نیز دوست بدارد. منیه المرید، ص ۶۷.

تلاوت آیات و اسرار ربّانی نهفته در وجود کودکان و نوجوانان و کلاس درس را عبادتگاه خود می داند، با وضو در جلسه درس حاضر می شود و تعلیم و تعلّم را فریضه ای الهی تلقی می کند و برای شناخت و هدایت شاگردانش در امر تربیت، به نیایش و راز و نیاز می پردازد و از خداوند بزرگ که مربی همه کائنات است، مدد می جوید.(۱)

او نونهالان را روح های بزرگی می بیند که در کالبدی کوچک آشیانه دارند و آنان را آیتی الهی می داند، که هر کدام چون گوهری کمیاب، حاوی ذخایری ویژه و استعدادی ارزشمند هستند که برای عروج به قلّه تکامل

ص:۱۶

۱- ۲۶. مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی می فرمودند که مؤمن خوب است هر روز با توسل به ائمه معصومین،علیهم السلام کارش {درسش} را شروع کند و با توسل به آنها کارش را به پایان برساند.

روزشـماری می کنند و برای پیمودن راه ترقّی و کمال، چند روزی با وی همنشین شده اند و خود احساس می کند که رسالتی دیرینـه دارد. معلّم فرهیخته بـا مهر و عطوفت، آنچه را که در وجـود خـویش دارد، صادقـانه و صـمیمانه در طبـق اخلاـص می گـذارد و نثار این روح های پاک و آینده سازان فردا می نماید، او به دانش آموز اختیار می دهد، قدرت انتخاب می دهد و او را در تصـمیم گیری شریک می سازد و هرگز نمی خواهد با دخالت های بی مورد(۱) و برخوردی خشک و خشن و با اِعمال زور و فشـار و تهدیـد و ارعـاب، دانش آموز را وادار به آموختن کنـد؛ چه اینکه می دانـد، آنچه که در مورد دانش آموز مهم است، وجود انگیزه است(۲) و آنچه در

ص:۱۷

---

۱ – ۲۷. مهم ترین چیزی که در خانه و یا مـدرسه ایجاد مشـکل می کنـد، دخالت های بیش از انـدازه والدین در انجام تکلیف دانش آموز است. انجام تکلیف، مسؤولیت شخصـی دانش آموز است. او از انجام تکلیفش تجربه کسب می کنـد تا کارهایش را خـودش انجـام دهـد و یکی از ارزش هـای تکلیف در همین امر نهفته است. والـدینی که بیش از حـد دخـالت کرده و زیـاد تـذکر می دهند، این ارزش مهم را از بین می برند. کمک والدین به دانش آموز باید غیر مستقیم و با رعایت اعتدال و توأم با همدردی باشد. ایجاد فضای مناسب و روشـنایی مطلوب، این طرف و آن طرف نفرستادن او و در نتیجه قطع نکردن جریان کار او، صـحبت نکردن بـا او موقع کـار و انتقـاد نکردن از او به هنگـام انجـام کار و روشن نبودن تلویزیون حین انجام تکلیف، می توانـد کمـک مؤثری برای دانش آموز باشـد. اگر به این امر توجّه کـافی شود و دخـالت هـا و اظهار نظرهای والـدین در انجام تکلیف فرزندشان، کاهش یابد از بروز بسیاری از مشکلات مربوط به درس و تکلیف پیشگیری خواهد شد.

۲ – ۲۸. معلّم همـواره تلاـش می کنـد که انگیزه درس خوانـدن را در دانش آموز ایجـاد نمایـد. او فکر می کنـد بـا ارزیـابی و شرمسـار کردن دانش آموز می توانـد ایجاد انگیزه نمایـد؛ ولی این روش ها در دانش آموز، موجب دلسـردی و تنفر می شود. راهکارهـای ایجـاد انگیزه یادگیری در دانش آموز: اولین قـدم، بایـد امنیت خاطر بوجود آورد و آن، به وسـیله کاسـتن ترس و ایجاد اطمینان و اعتماد در دانش آموز حاصل می شود. عمده ترین مانع یادگیری ترس است. ترس از شکست، ترس از توبیخ، تمسـخر و تنبیه. پس معلّم باید فضایی برای دانش آموز فراهم کند که او به هنگام اشتباه، خود را در معرض توبیخ و سرزنش و تنبیه و تمسـخر نبیند. دومین قدم، پرهیز از قضاوت درباره شخصـیت و یا هوش و اسـتعداد دانش آموز است. والدین و معلمین، گاهی اوقات با سخنان به ظاهر ملایم و بی ضرر موجب کاهش انگیزه در دانش آموز می شوند. این سخنان حاکی از کوچک شمردن شخصیت دانش آموز است که به طور ناخودآگـاه ابراز می دارنـد و او بـا حساسـیتی که دارد این مسأله را درک می کند. اگر دانش آموزی موفق نمی شود توضـیح ما را بفهمد، بهتر است اشـکال را متوجه روش توضـیح خودمان بدانیم، نه کم هوشـی و بی اسـتعدادی دانش آموز. سومین قدم، حفظ استقلال دانش آموز و پرهیز از دخالت های زیاد است. دانش آموز به اسـتقلال و خودمختـاری نیـاز دارد. بعضـی از اوقـات دوست نـدارد کاری را که والـدین یا معلّم می گویـد انجام دهـد. او می خواهـد به میل و علاقه خودش کار کنـد و مجبور نباشـد. این امر موجب شخصـیت دادن به وی می شود. بنابراین لزومی ندارد در تمـام جزئیـات کار و نحوه انجام تکلیف و یا چیزهای دیگر، ما دخالت کنیم. چهارمین قـدم، رشـد، عزّت نفس دانش آموز است. دانش آموزی که عزّت نفس او تقویت نشـده باشـد، همواره از اظهار نظر کردن و نمایانـدن خود در جمع وحشت دارد. فقـط بـا اهمیّت دادن به وی در کارهـای گروهی و اجتمـاعی، می توان این انگیزه را در او ایجـاد کرد تـا بـا تلاش، کار و هنر

خود، خویشتن را در جمع نشان دهد و با گروه، همکاری مفیدی داشته باشد. پنجمین قدم، بیان اهمیت موضوع و جنبه های مثبت کار دانش آموز است. پرهیز از قضاوت و ارزیابی و استفاده از تشویق در مورد کار انجام شده و بیان واقعیت، شیوه مؤثری خواهد بود برای دانش آموز، تا نسبت به انجام تکالیف، علاقه مند شود. به طور خلاصه دانش آموزی که دلسرد و خسته و بی انگیزه است؛ تنها نیّت خوب و احساس مسؤولیت معلّم، نمی تواند کاری از پیش ببرد، بلکه زمانی که بتواند او را نسبت به استعداد و هنر و توانش آگاه کند، او احساس ارزشمندی می نماید و موقعیت خویش را درک کرده و بالأخره احساس مسؤولیت می کند. همین امر، سبب ایجاد انگیزه در دانش آموز خواهد شد. آماده سازی روانی و عاطفی اولین گام در ایجاد انگیزه در دانش آموز است.

آموزش، اهمیت دارد، رسوخ به اعماق دل دانش آموز است؛ زیرا که اگر دل به کاری مجبور شد، از رشد و شکوفایی باز می ماند و بصیرت خویش را از دست می دهد.(۱)

معلمی که کارش را هنر و وظیفه اش را احساس مسؤولیت و هـدفش را رسالتی الهی در جامعه می دانـد، با معلمی که باری به هر جهت فقط می خواهـد چنـد ساعتی را در کلاس وقت بگذرانـد، تفاوت دارد. معلمی که همّ و غم او در این است که ذهن دانش آموزان را همچون انباری انباشته از معلومات و محفوظات نماید، با معلمی که تمام سعی و تلاش خود را برای

---

۱ – ۲۹. إن للقلوب شـهودةً و اقبالاً ـ و ادبـاراً، فأتوهـا من قبـل شـهوتها و إقبالهـا فإن القلب إذا أُكْرِهَ عَمِیَ». نهـج البلاغه، کلمات قصار، ۱۹۳: به راستی که برای انسـان تمایـل و نفرتی است، پس آنـان را آن گاه به کار گیریـد که تمایل به کاری دارنـد، چه دل، اگر وادار به کـاری شود کور می گردد. «قـال رسول اللَّه صـلی الله علیه وآله: عَلِّمُوا وَلاَتُعَنِّفُوا فَإِنَّ الْمُعَلِّمَ خَیْرٌ مِنَ الْمُعَنِّفِ»؛ پیامبرصـلی الله علیه وآله فرمود: بیاموزید و سـختگیر نباشـید؛ زیرا معلّم و مربی از {آموزگار} سختگیر، با ارزش تر است. «قال رسول اللَّه صـلی الله علیه وآله: لَیِّنُوا لِمَنْ تُعَلِّمُونَ وَلِمَنْ تَتَعلَّمُونَ مِنْهُ»؛ پیامبرصـلی الله علیه وآله فرمود: نسـبت به کسی که به وی دانش می آموزید و یا از او، علم فرا می گیرید، نرم خو و ملایم باشید. منیه المرید، ص ۶۹.

برانگیختن قوّت تعقّـل و تفکّر دانش آموز می نمایـد تـا یادگیری، توأم با تجربه و تحلیل صورت پـذیرد و فراگیر خود شخصاً مطالب را کشف و بازسازی کند، فرق دارد.

معلّم واقعی، دانش آمـوز را محکـوم امر و نهی خود نمی دانـد و بـا او به مشابه یـک محکوم برخورد نمی کنـد و برحسب تراز ذهن خود، او را مورد سنجش قرار نمی دهد؛ بلکه پاسخ شاگردش را برحسب تراز تحوّل ذهن او مورد سنجش قرار می دهد و به تدریـج موجبات تغییر و تحولِ نگرش و بینشِ وی را فراهم می سازد و از رشـد علمی او و قـدرت اظهار نظرش بیمی ندارد؛ بلکه می کوشد افق ذهن وی را همیشه باز نگه دارد.

معلّم موفق، سؤالات دانش آموزان را بـا رویی بـاز و لبی خنـدان می پـذیرد و زمینه تعامـل افراد بـا یکـدیگر را، در گروه های آموزشی فراهم می سازد و در مورد دست یابی آنان به پاسخهای صحیح، شتاب نمی ورزد و با سعه صدر راهنمایی می کند و هرگز از نمره به عنوان حربه ای برای تهدیـد یـا تطمیع اسـتفاده نمی کنـد؛ بلکه آن را وسـیله ای برای برانگیختن سؤال بیشتر و تحریک ذهن دانش آموز، در جهت سعی و تلاش فراوان تر به کار می گیرد.(۱)

ص:۲۰

۱- ۳۰. یـادگیری واقعی فراینـدی فعـال و تعاملی خلّاق است که بـدون وقفه، بر اثر تغییر در ادراکات جدیـد و تجربیات دانش آموز و موقعیت آموزشـی وی حاصـل می شود. آنچه دانش آموز نیـاز دارد، فقـط معلّم خلّـاق می توانـد آن را برآورده سازد. افزایش بهبود کیفیت آموزش در طراحی آموزشـی و طرح درس است. برای بهبود کیفیت آموزشـی باید ابتدا به کیفیت روابط موجود بین معلّم و دانش آموز در کلاس توجّه کرد، سپس از اهرم هـای تکنولوژی طراحی درس، برای فعال کردن کلاس و بهبود کیفیت آموزشی استفاده نمود: برخی از روش ها: ۱. باید کاری کرد که برای دانش آموز انگیزه طرح سؤال فراهم شود. زمینه ای ایجاد کرد که دانش آموز به طور خودجوش سؤال کند و برای یافتن جواب، خود جستجو و تلاش نماید، این امر در یادگیری و فهم بیشتر مطالب برای او مفید است. ۲. کنفرانس و یا سخنرانی گروهی درسی دانش آموزان. در یک کلاس برای آمـوزش، گـاهی می شـود، چنیـن مقرر داشـت کـه دو یـا سه دانش آمـوز «بـه صـورت گروهی» بـا یکـدیگر بحثی راجع به موضوعات درسـی داشـته باشند، سپس آن را برای دیگران بازگو نمایند. آن گاه از سایر دانش آموزان خواسته شود که از این دانش آموزان گروه سؤال نمایند، پاسخ صحیح سؤال برای آن گروه امتیاز دارد. به همین ترتیب درس های بعدی توسط گروه هـای مختلف کلاس با همین انگیزه تکرار شود. تجربه نشان می دهـد دانش آموزان برای رقابت بیشتر سـعی در مطالعه کتاب دارنـد تـا از رقیب خـود سؤالات دقیق بنماینـد، این روش موجب فعـال کردن کلاس نیز می شود. ۳. پرهیز از اظهـار نظرهای قضـاوت آمیز. اظهـار نظرهـای قضاوت آمیز معلّم، مانع یادگیری دانش آموز می شود. ۴. مباحثه دو نفره یا تشـکیل گروه های سه نفره آموزشـی. بهترین روش آموزش، اسـتفاده از گروه های آموزشی هم سال است که دانش آموزان در انجام یادگیری و آموزش با هم مشارکت کنند. در انجام تکلیف، در مسابقات درسـی و امتیاز گرفتن، هر دانش آموز، هم نقش یاد دهنده و هم نقش یادگیرنـده را دارد و تجربـه نشـان داده اسـت که کیفیت کـار در این روش، بهـتر صـورت می گیرد. دانش آمـوزان همه احساس ارزشـمندی و احساس مسؤولیت می کنند. احساس خواهند کرد که هر کدامشان در موفقیت گروه سـهیمند و هر یک در پیشـرفت رونـد نتیجه مسـابقه مؤثرنـد و نظریـات آنهـا بـاارزش و قابـل طرح است. در اینجا معلّم می توانـد با مستمر کردن

مسابقات علمی به صورت گروهی و دادن امتیاز به گروه، رونـد یادگیری را فعال تر نمایـد. برای جلوگیری از دلسـردی و هدر رفتن افراد ضـعیف گروه، یـادآوری این نکته به دانش آموزان لازم است که؛ نـتیجه امتیـازات نهـایی گروه در پایـان هر ثلث، منوط به جمع نمرات امتحـانی تـک تـک اعضای گروه با امتیازات گروهی است. در اینجاست که رقابتی همه جانبه برای فعال کردن همه افراد گروه و بالا آوردن عضو ضعیف گروه صورت می پذیرد.

اظهـار نظرهـا و پرسـش های دقیق نوآموزان، او را خسـته و ملول نمی سازد و جسارت بیان دانش آموزان او را خشـمگین نمی کند و هرگز با آنان به رقابت و تلافی برنمی خیزد.

این گونه معلمـان، با کسانی که تنها یک سلسـله دسـتورات خشک را به دانش آموزان دیکته می کننـد و به آنان اجازه حرف زدن و سؤال بیشـتر را نمی دهنـد و می خواهنـد بـا تحمیـل و زور آنـان را تغییر دهنـد و دادن آزادی را موجب پر رویی دانش آموز و پرسـش ها و کنجکاوی آنان را نشانه آزار و مزاحمت برای خویش تلقی می کنند، تفاوت دارند؛ چرا که می دانند، در وادی علم، ایمـان و محبت، عشق و ایثار، بحث و گفتگو، حلم و بردباری، مهر و صـفا و آزادی و آزاد منشـی است که کارساز است و راهگشا؛ زیرا همچنان که نمی شود غنچه گلی را با زور و فشار در فرصتی انـدک به صورت گلی شـکفته درآورد، در پرورش روح لطیف انسـان، نیز کاربرد تحکّم و تحمیل، ناروا و نامعقول است؛ چرا که قبل از ورود به ذهن و فکر دانش آموز، باید به دل او راه پیدا کرد.

معلّمی موفق است که بدانـد، تشویق ها و ترغیب ها(۱) و تـذکّرها و تحذیر ها را در کجا به کار ببرد تا موجبات رشد و تکامل دانش آموزان را فراهم سازد و با ارتباطی سازنـده با والـدین و همکاری با آنان(۲) از بروز دلسـردی و سستی و بی رغبتی آنان در انجام تکلیف و تحصیل علم و دانش، جلوگیری نماید.

در فضای معنوی ایجاد شـده توسط معلّم، فراگیر [دانش آموز] احساس می کند که گمشده خود را پیدا کرده و شوق و امیدی برای آموختن علم و دانش در دلش جوانه می زند و همین احساسات، او را در طی مراتب

ص:۲۳

---

۱ – ۳۱. اذا نَشَـطت القُلوب فَاَودِعوهـا ... و اذَا نَفرتْ فودِّعُوهـا»؛ هنگـامی که دل ها نشاط دارنـد آنها را به کار دعوت کنیـد و زمانی که تمایلی ندارند آنها را رها کنید. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۷.

۲ – ۳۲. در ارتبـاط معلّم بـا والـدین، معلّم بایـد بیشتر شـنونده باشـد تـا گوینـده. اگر معلّم بخواهـد فقط درباره خودش و روش خودش صـحبت کنـد و تجربه شخصـی خود را مورد بحث قرار دهـد، چه بسا والدین از این امر منزجر شوند. وظیفه معلّم؛ این نیست که والـدین را پنـد و انـدرز دهـد یا اضـطراب ایجاد کند. معلّم زیرک، به والدین نمی گوید چکار کنند و چکار نکنند، حتی اگر خودشـان چنین چیزی را بخواهنـد؛ بلکه سـعی می کنـد بفهمـد آنهـا درباره موقعیت پیش آمـده برای فرزنـدشان چه فکری در سر دارنـد و چه راه حل هایی را در نظر آورده انـد. معلّم بایـد زمینه ای ایجاد کنـد که والدین جرأت داشـته باشـند، حرف هایشان را بزنند و اظهار نظر هایشان را بیان کنند. معلّم وقتی بیشترین فایده را از ملاقات با والدین می برد که والدین در حـد مطلوب حرف هـای خودشـان را گفته و حـال و نظر خود را بیـان کرده و در عین حال از طرف معلّم هم با احترام پـذیرفته شـده باشـند. معلّم خبره و آگاه، هیچگاه مستقیماً با والـدین درباره عیب و ایراد فرزنـدشان سـخنی نمی گویـد؛ بلکه او به طور واضح و آشکار توضیح می دهد که دانش آموز در کدام زمینه ها احتیاج به اصلاح و پیشرفت دارد.

عالی تحصیلات و پیمودن مدارج بالای علمی(۱)، علاقه مند ساخته و یاری خواهد داد. چنین معلمی(۲) با رفتار، نگاه و سکوتش(۳) به شاگردان خویش،

۱- ۳۳. معلّم ها دارای قدرت فراوانی در تأثیر گذاردن بر زندگانی تحصیلی و اخلاقی دانش آموز هستند و می توانند زندگی او را بهتر یا بدتر سازند. آنان فرصت بی نظیری در اختیار دارند تا تأثیرات ناسالم سال های اولیه کودک را خنثی کنند. آنها می توانند ذهن و قلب دانش آموزان را باز کنند و در هر حال با ذکر خاطره های خوبی در دوران تحصیل، همواره ارزش های متعالی را در ذهن آنان زنده نگه دارند، تا بعدها تصاویری را که از معلمان شان در ذهن دارند به یاد آورند و این خود راهنمای تشخیص معضلات و مشکلات زندگیشان خواهد بود. اعمال رفتار و اظهارات معلّم که حاکی از تبحّر، جذابیت، احترام، حمایت یا همدردی و همدلی است، تأثیری ماندگار بر روحیه و زندگانی دانش آموز راهنمایی برای طی مدارج علمی وی در آینده.

۲- ۳۴. معلمی هنر انبیاست. ترکیبی از علم و ایمان و مهارت و مسؤولیت است. معلّم با علم خود برای انتخاب مواد آموزشی و از مهارت و هنر خود برای نحوه اداره کلاس و با ایمان خود برای دمیدن روح تعهّد در دانش آموز، استفاده می کند. یک معلّم هر چند آدم خوب و متدین و مهربانی باشد، ولی چه بسا نتواند کلاس با انضباطی داشته باشد. روش کار و نحوه اداره کلاس معلّم در پیشگیری یا حل بحران های کلاس، بسیار مؤثر است. او برای برقراری ارتباط و ایجاد انضباط به تخصص و تجربه و مهارت های ویژه هم نیاز دارد. برخی از ویژگی های مهمی که معلّم باید دارا باشد و ارتباط تنگاتنگ با نحوه رفتار وی با دانش آموز، از این قرار است: ۱. اقتدار در ارتباط و توجّه به همه جوانب کلاس. معلّم کارآمد باید بداند که در کلاس چه می گذرد و سؤال و یا صحبت کردن یک دانش آموز، او را از اداره اصلی کلاس غافل نسازد. معلمی که مهارت لازم را در کلاس داری ندارد به محض صحبت کردن دو دانش آموز با هم، جریان اصلی کلاس را متوقف می کند و با غیظ و غضب کل دانش آموزان را مورد خطاب قرار داده و پند و اندرز می دهد، پس از آنکه وقت و انرژی کلاس را گرفت و تمرکز دانش آموزان از بین رفت، فعالیت درسی را دوباره از سر می گیرد، درحالی که او می توانست با یک نگاه به آن دو دانش آموز و کمی سکوت، مسأله را به سادگی حل کند. ۲. یک مربی و معلّم شایسته، وقت و نیروی خود را صرف مطالعات پراکنده موضوعات مختلف نمی نماید؛ بلکه علاوه بر آشنایی با مسائل علمی همّت خود را، وقف یادگیری تکنیکها و اصول تعلیم و تربیت کرده و پاسخ ها و واکنش های خویش را در برقراری ارتباط سازنده در کلاس، تقویت می نماید. معلّم علاوه بر تدریس، چون می خواهد به دانش آموز زندگی کردن را بیاموزد باید نقش های متعددی را در کلاس ایفا کند. گاهی به عنوان یک کارشناس آموزشی باید از انحدار علمی بالایی برخوردار باشد و زمانی به عنوان یک فرد برانگیزنده، بتواند با دانش آموز، ارتباط قوی برقرار نماید تا ذهن او را با مفاهیم آموزشی درگیر کند و گاهی به عنوان یک مدیر، بتواند با اقتدار کامل، کلاس درس را اداره کند به طوری که همه دانش آموزان از کلاس بهره مند گردند و به عنوان یک رهبر بتواند مجموعه را به طرف مفاهیم بلند اعتقادی و ارزشی هدایت کند و لحظاتی به عنوان یک مشاور، بتواند مرهمی بر دردهای دانش آموزانی که از مشکلات شکننده عاطفی رنج می برند، بگذارد و بالأخره به عنوان نمونه و الگو بتواند با رفتار خود به شاگردان خودش، نحوه دیدن، اندیشیدن، گوش دادن، سکوت کردن، به موقع حرف زدن، به جا عمل نمودن، احساس

همدردی کردن، دیگران را تحمّل کردن، بردباری نشان دادن و در نهایت چگونه زیستن را بیاموزد.

۳- ۳۵. قـال علی علیه السـلام: اِنَّ لِلْعـالِمِ ثَلاثُ عَلامـاتٍ: الْعِلْمُ وَالْحِلْمُ وَالَّمْتُ؛ به راستی که برای عـالم سه علامت است: علم، برداری و سکوت. کافی، ج ۱، ص ۴۵.

چگونه اندیشیدن، چگونه انتخاب کردن و بالأخره چگونه زیستن را می آموزد.

ص:۲۵

منابع

۱. نهج البلاغه

۲. غررالحکم

۳. تربیت به کجا ره می سپارد (ص ۶ – ۴۹)، ژان پیاژه، ترجمه دکتر منصور

۴. تعلیم و تربیت و مراحل آن (ص ۶۴ – ۸۱)، امانوئل کانت، ترجمه دکتر غلامحسین شکوهی

۵. روانشناسی و آموزش و پرورش، دکتر علی محمد کاردان

۶. مراحل شکل گیری اخلاق در کودک، دکتر عبدالعظیم کریمی

۷. تربیت برتر، رضا فرهادیان

۸. روابط معلّم و شاگرد (ص ۵ – ۲۲۹)، هایم گینات، ترجمه سیاوش سرتیبی

۹. رشد معلّم (آذر و دی ۱۳۷۶)، انتشارات آموزش و پرورش

۱۰. آنچه معلمان و مربّیان باید بدانند، رضا فرهادیان

۱۱. منیه المرید (ص ۶۲ – ۶۹)، شهید ثانی

۱۲. پیشگامان روانشناسی رشد (ص ۱۰۳ – ۱۲۳)، ویلیام سی، کربن، ترجمه دکتر فرید فدایی

۱۳. اصول آموزش و پرورش (ص ۴۵ – ۵۸)، دکتر محمد باقر هوشیار

۱۴. Teacher and Child Abook For Parents and Teacher by Haim Ginott. The Macmillan Company ۲۷۹۱)page، ۲۲، ۳۴، ۰۷، ۰۱۱(.

ص:۲۷

آثار دیگر مؤلف که در این انتشارات به چاپ رسیده است :

غدیر حقیقتی برگونه تاریخ

چگونه زیستن

خانواده و تحول در تربیت

مبانی تربیت و شاخصه برنامه ریزی مدارس

معلم محبوب،شرایط مقبول مدرسه مطلوب

هدف از زندگی

ص:۲۸

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹